

نقل از شفا فی دق مرا کا هیئ سنال یحیی

کلیسا شهر عیس

کلیسای ناپنجی قدیمی قد شهر ریمس (فرانس) از
المانیها مشرع بهینار دمان نمودند چون قیست

این بنای عالی در عالم ناپنج نادر و وجودش
از برای حفظ آثار قدیمه عالم بهترین گواه عالی

مقداری بود و بعد از او آثار و اشیاء نفیسه

و زیوردهای عتیقه گرانها در آن کلیسای

و مجلل موجود بود فرانسویان نخواهند

هیکل ناپنجی منقود شود لهذا عده کبیرا

از تبعه المان را که در شهر امیر بودند در

طافهای کلیسای من بود جانی داده و گشتند

بالمانها که حالا شانته تنها کلیسا را خراب میکند

بلکه صد هزار تبعه المان را معدوم خواهد ساخت

ولی تو بخانه المان کو یا چشم و گوشش را بسته بود
 و این توانمها را همیشه پذیرا بلا فاصله که تو بها
 بغرض آمده و او از مجوسین در پارهوارهای کلینا
 مشپند شد و پس از قدری فاصله دیگر که از آن
 عمارت اثری باقی نماند از مجوسین نام و نشانی
 بجای ماند (نقل از کتاب ... کتبات نو بهاس)

کلیسای ترس

در باب این کلیسا که بواسطه عبادت مان شهر
 در پیش بان خرابی وارد آمده است که مطبوعاتی
 فرنگستان مکرر چنان نوشته شده و مطرح مذاکره
 قرار داده شده است اما بدیهی است و قریب شهر
 دو هنگام جنک بمبارده میکنند نمیتوان احتیاط
 نمود و احتراز از آن جست که مخصوصاً بیک محل
 معین آن شهر خسارتی وارد نیاید شهر ترس

که یکصد و هشت هزار نفر جمعیت از آن در شهر
 شبلیه پاریس بفاصله بیست و هفت فرسنگ
 و محل تجارت عمده پارچه های نیشی و کوشن
 دوزنده خوک و شراب شانپانست بکار
 خلفای مذهبی موسوم بسن دبی در هزاره
 چهارده و بیست سال قبل از این کلودیس زاکه او
 سلطان مسیحی طوائف عمده شد و کلیسای
 مذکور غسل تعمید داده در هنگام ادای این
 و تشریفات و پراختاب ساخته گفت ای زود
 مند پرغور سرک زانم نموده چه چیز است که میسوزان
 پرستش کن و چیز است که پرستش میسوزان
 از همان عصر بعد رسم بر آن شد که سلاطین
 فرانسه زادگان کلیسای تعمید و ناجگذاری نموده
 دوغن تبریک به پیشانی ایشان میمالیدند

چنانچه شان دارك شارل بگتم را پس از بیرون کردن
 انگلیسها از شهر و بیس در همان کلیسا بموضع
 تشییع و تدفین در آورده تا جگداری
 تشییعات تا جگداری تمام سلاطین باسندت
 هنری چهارم ولوی هجدهم در آنجا واقع شد
 تزئینات و ساختمان مس در آن کلیسا ممتاز
 و معروف و خلیفه مس بوز یعنی سن و بی در
 همین کلیسا مد فون است این شخص در سن
 بیست و دو سالگی بمقام خلافت مذهب رسید
 در مدت عمر خود علاوه بر کلودیس بسیاری از
 ناموران را مذهب عیسوی در آورده که در
 نود و پنج سالگی وفات یافت و در عهد مقدس
 بشمار درآمد که غره اکثر برای او عید میگرفتند
 امسال نهمین عید در همان شهر و بیس با روز
 عید او چه قدر فاصله داشت در حال باز

از خصوصیات این کلیسا آنکه حقه مقدس که
بعضی گفته اند ملکی بصورت کبوتر بسینه
انرا از آسمان برای سن دمی نازل ساخت
و روغنی در آن ظرف بود به پیشانی سلاطین
میمالیدند تا از شان دولوپین فراتس درین
کلیسا محفوظ داشته در صد و بیست سال
قبل از این یکی از وکلای ملی دوره انقلاب
موسوم برول که ماموریت شهر ری پس داشت
ان حقه را بیرون آورده در میدان بزرگ
ریس بروی سنگ نهاده با چکش از آن شکسته
و نابود نمود (اعلم الدوله)
و نقل آن عرصه در شمارتیم سال ۱۳۳۲
'المانها در اماننا
و دشو - پنج اثر و بین المانی چهل یک در

در سوساد زوانداخته خانه های چوبین را مشتعل و
 با زار و خیا بانهای فجار در خواب و منهدم ساختند
 يك بمب هم در میان جمعیت که مشغول فرار بودند افتاد
 هشت نفر را مقتول و بیست و شش نفر را مجروح کرد
 (نقل از کتاب چنگا عصر جدید ۱۳۳۲)

و کوشش خیریه با سراسر بمب

دو دبیت و پنجم دسامبر شهر و در شوش ساعتی پس از
 هوا ناگه گدازانید ساعت ۱۲ ظهر طیاره های المانی
 بنای شهر کون دوروی شهر را گذاشتند ابتداء عده
 طیاره ها سه بود پس متدرجا زیاد شد و تشکیل یک
 جهازات هوایی نمودند این جهازات مانند يك
 قافله از طیسور بالایی سر شهر را فرا گرفتند و در
 خطهای مختلف پرمیکردند و مخصوصا نقاط پر
 جمعیت شهر را بیشتر در تهنید میداشتند اسما

پهانیان پیش از اقدام بوظیفه بمباردومان چنگ
 دوره در روی شهر گشته و گونہ گونہ هنر از ما پنهان
 میگردند چیزی نگذشت که در بین اهالی شهر اژاد
 یک پوشش و تلاش مخصوص پیدا شده و تمام جلیان
 دیدند که طیاره های المانی کار بانباری و هنر
 نمائی را یکسو نهاده و دارند یک حرکت جدی
 صورت میدهند پس کم کم صدای مهیب توکید
 بمبها از خیلی نقاط شهر شنیده شد و آن بان
 این صدا شدت پیدا کرده یک غرش مداوم
 ناسر شهر را گرفت خاصه که توپخانه روس پس
 برای مدافعت طیارات المانی آغاز فعالیت نموده
 و بواسطه اقس فشانی خود برهول و دهشت منظره
 افزود با این سیاق چند دقیقه شهر و دشو در میان
 این غرشهای رعب افکن و جانگاہ بانهایت داشت

گذرایند این منظره اگر چه در کوهستان و کوهستان و کوهستان
 بود مع ذلك بعضی لوحه های رنگارنگ شکفت
 اینر شکل می نمود دره های صاف یکمرتبه ابر
 پاره سفیدی نمودار شده این ابر سفید از دودها
 غلیظ آتش فشانی توپخانه روس شکل یافته بود
 فعالیت توپخانه روس با آنکه خیلی شدت داشت
 بمب اندازان ^{اصلا} المانز اوست ضرر برسانند بمب
 اندازها بدون اعتناء با آتش فشانی توپخانه روس
 در کار خود دوام داشته و بمبها را از پی هر یک
 لاینقطع فرود می بخشند خراب کاریها که از این باب
 بمب درود شو حاصل شد در پاره موارد خیلی مد
 و شایان حیرت بود در شدت تخریبها این کافی
 که در شوارع و خیابانهای شهر صفه ها و سنگها
 محکم البندان ناب بمبها را نیاورده و بهر حال که فرود

می افتادند چنانچه های عمیق و خند قیما احداث نموده
 خاک و سنگ زمین در حالت گریه و غیبار بشکل عمو
 یا سمان بلند میگردد و دیدند خیلی از ستمها عمارات
 که هدف نمک شده بودند خواب شده و خسارت
 کلی یافته بودند از این همه نمک که بشهر آنداخند
 فقط یکدانه اش نرسیده بود از هم بگل و بجن راست
 آمده از آن جهت منفر نشد حاصل اینکه این باد
 نمک قریبهای کمی نداشت شلیک توپخانه ما
 با تروپلانهای آلمانی نرسیده و ضروری آنها نشد
 وارد بکنند و حال آنکه طیاره ها در مسافت خیلی
 پایین میرویدند ولی توپخانه ما در ضمن این
 یکبار نتوانست که استیج هیچ اسیر بلیتارها المانی
 و تفنگ از اسکی اسلوف (نقل از شیا) ۲۱ عصر جدید

عدد اسرای جنگ

حدود استرالی جنگی تمام دول مخصوصه در سه ماه قبل
از این قدری پیش از سه گره بوده است که بشار
زبل قیمت میشوند - استرالی که المانیها گرفته اند
..... ۷ نفر - اطیش ... ۵ نفر - فرانسه

قربیب ۱ - انگلیس ... ۲۵ - روس
تقریباً ۳ نفر - صرب ... ۵ نفر - قراطان
... ۵ - ژاپن ... ۳ - بنا بر این تا سه ماه قبل
امان و اطیش از یک گره و نیم صد هزار نفر با
اسیر گرفته است و از یک گره کمتر اسیر داده اند
انقلد انترنشنال ... ۲۰ عجبید (جزایر هلندی)

تبعیدت از سابق بی کلا

روز اول ماه اگوست به علی الطلوع نیکلادو
امیر طور مخلوع در تیت با خانوادهاش که عبارت
از سه دختر و یک پسر و زنش با خدمت و حشم باشند

از مکانیک بود به تو بولسک که یکی از شهرهای سیرا است
تبعید شد با آنکه مسافرت نمود بانجا برای آنکه بچشد
لذت زندگی در جایی را که هزارها مظلومین بواسطه
احکام ظالمانه او در آنجاها مجوس بوده و ناله‌های
سوزناک آنها را جز با بانهای کج و بعضی اوقات
خوسهای سفید شمالی و باسکهای دریایی دیگر
نمیشدید ، بخود نیکلا از دو هفته قبل اطلاع از این
مسافرت داده شده بود و او مانند یک شخصی که بیک
مسافرت خوبی از روی میل میخواهد برود بانتهائش
از ایمی سکونت برای حرکت حاضر میشد و در آخر
او هم بانهایت شوق و شغف آماده سفر شده
و با شادی و خوشندی روز حرکت از غارتی که
در آن مجوس بودند بیرون آمد در اتوموبیل جاگ
برعکس آنها امپراتور کسانند رفوق العاده

از این پیش آمد مضرب و پریشان بود شب ۳۱
 ماه اپریل بنیکلاد سما اعلان نمودند که فردای
 آن روز حرکت است و تمام شب را اهل عمارت که
 عبادت از مستخدمین خانواده امپراطور سابق
 بودند بجهت تهیه لوازم سفر بیدار شدند
 شب که شبکی عمارت محبوبین آمد دستورالعملها
 لازم را داده و امر نمود اطراف منزل را فوای
 جمع که اطینان کامل بانها بود احاطه نمودند
 و ساکنین انجا را از قبیل پیشخدمت و دو بان که
 سابقا اجازه خروج از منزل داشتند بهیچ وجه
 از جای خود حرکت نکنند ولی معلوم بود که
 بهیچکس این حرفها اهمیت نمیدهند و در وقت
 از نصف شب گذشته براد امپراطور ظهور
 (یا اول) نمود بنیکلاد آمد و بیازد و ذاع امر حرکت

سائر شاهزادگان خانواده سلطنت هم با وجود
 اینکه مسبوق بودند که روز بعد نیکیا باید بسپارند
 برود هیچیک بدیدن و خدا حافظی با او نپامند
 بالاخره صبح روز اول اکوست چند دستگا او تومو پیل
 حاضر شده قبل از همه خود نیکیا با اتفاقا در درگاه
 و در آنجا پیشرفت از عادت خارج شده و با نهایت
 متانت در او تومو پیل اول قرار گرفت پس از او
 امیرالطربس با عجله و شتاب و ترس واضطراب
 فوق العاده دویده که داخل او تومو پیل شد
 ولی در خترهای امیرالطربس و پسرش خیلی شاد و با
 صحبت و شوخی و خنده در یک او تومو پیل
 با اتفاق الله و بپهد پستاج و تخت و یکفرملا
 و یک کوورد و خانواده پر و فسور (بو تکین)
 که از خدمتگذاران باوفای خانواده نیکیا بود

و هستند حرکت کرده بکار راه آهن آمده حضرت
 عیون داخل الحاقهای ترقی که عبارت از هیئت
 الحاق و مخصوصاً برای خانواده امیرالطور مخلوع
 آماده شده بود گذشته در یکی از الحاقها هم هیئت
 حکومت موقتی برای مشایعت قرار گرفته
 گونسی هم آمده با امیرالطور سابق و ذاع کرده رفت
 سپس قرارها تعیین پنجه های الحاقها را بسته
 پرده هزار اوینت که زن حرکت کرد بعد از عبور از
 استانبول اول هیئت حکومت موقتی هم و ذاع
 نموده مراجعت کردند و راه آهن بجانب مقصد
 رخصت پارشد در تمام استانبولتها که اجزاء راه
 آهن از هویت سر نشینها سوال میکردند جواب
 داده میشود که نمایندگان انگلیس مسافرت میکنند
 (چنین این پنج عدد) در هیئت برین گیتی نیست

جنگل و پاپ تکلیف پاپ

وم - از طرف پاپ رئیس کلیسای کاتولیکها و
 جانشین حضرت عیسی مسیح با بیطرفی بنا
 بمصالح طرفین نوشته شده است و در اول جنگ بود
 بنادش با هم دعوت نموده است ، کوینهاک
 - جزا داد انمارک مینویسند که این تکلیف پاپ
 در موقع بسیار بدی نموده و بیارده ملاحظات
 از طرف متفقین که عبادت از روس و انگلیس و
 فرانسه و ایالتها و ساترین باشند در خواهد شد
 انقل که در این معنی می باشد بهاس سال اول
در شهر اعلیای چتر گراد
 نماینده جبهه رومانیا اظهار داشته که اردو
 از جنگ خسته شده گرسنگی اردو را منزل شاخه
 برای حفظ از سرهای لوله افکن بهیچ وجه پوشان

و لباس بسته نیست اگر بقدریت عقد صلح بسته
 نشود سه هفته پیش طول نخواهد کشید که دستگیر
 عساکر بکلی میدانها را تحویل نموده بکلی منتشر خواهند
 (نقل از شماره چهارم و پنجم سال اول بهاس)
 اظهارات یک صاحب مسکون

مسکون - یکی از صاحب منصبان بزرگ و ناجی مجرای
 در خصوص شکستهای فاحش خلیج دیککا باخالی
 عکین و افندره اظهار داشته که ما هنوز با خلیجها
 (دیککا) و (دین) علاقه مندیم و بکلی آنها را از
 دست نداده ایم ولی خدا نیاورد آن روزها که
 المانها (مولوئوزد) زاپیر تصاحب نمایند
 آن وقت مانند نهر دیککا را از دست داده بلکه
 دریای بالتیک را در دست و بلا مانع المانها
 تسلیم نموده ایم و اگر این امر صورت بندد اهمیت
 خارج

خارج از قوه تصور است فلا کلهای میلی باندازه بود
 و هشتاد که میشود که هیچ و جرحی بقیع برای او
 قائل نتوان کردید ما محرومیت از الیتیک
 از کثیر و دانی نیز محروم خواهیم شد این جنک
 سیاه بخندانند که در مشرق اقصی برای ما با او این
 دست داد قوای کجی ما را بد رجه صفر شد
 ایام میشود با این کجی با قوه کوه پیکر انسان
 زود از مانی کوه بوسفور بروی ما بکشد
 حال پایتوان موسهای خنده آورد از سر
 هشتاد به صلح بدون الحاق و تضمینات که سهل
 بلکه بهتر گونه صلح نیکینی که خواه دشمن با
 تن کرداد اهیت کجی این نقد و هائیسنه
 ولی همینکه کجی الیتیک بروی ما بکشد شود
 مثل این است که دست دومیه را پیش بکشد

این چنین که در پیوسته این مطبوعه منعقاد شده است که از
 حیث اعتبار در دیده جوانان تمام هستی خود را
 با خرد است برای آزاد ساختن دو نیمه این سر از این
 تنگ و ناریک لازم است که سیکلهای خون جاری
 شود اوضاع جاریه که خلیج ریکابندی موش
 و مشتاک است که ایشان اگر بتوانند وارنده
 بر آورد بخا و سزاوار است ، فکر کنید که چه میکنیم
 و بکجا میریم باید گفت که چون احوال رو به بر ما
 بخور و مستدوم گردید که دچار چنین بدبختی و
 سید روزگاری شده ایم المانها از همانجا
 عصر رو به بر بود که در عرض شد روز با انجامات
 کارهای خوار و المانها موفق آمدند که در اوقات
 عادی هرگز نتوانستند بیایان برند
 (فکر کنید شما هم چنان شدتان اول بهاس)

شکر، میانه‌ما برینکنا

دو ذراته (دید و موی) نظر بگفتار مناظر و بیجا

میروید که هجوم الما نهارا اهلای بیجا بهیچ وجه

پیش بینی نکرده و اید استقرط انجا از غمیتوا نمسند

تصور کنند و بهین جهت موقف بضراد نشده اند

بشد از اینکه خطای خود را حس کردند نیز از شکست

رفته دیگر اسکان فراد باقی نمانده بود خواد ثقل

آسیاب این شد که سر بازهای ^{بیجا} مازاتر ^{بیجا} گشته ^{بیجا} ^{بیجا}

اوزاید شهن و اگر کردند، شنبه ۱۹ شهریور

جمع علی الطابع شهر بیجا از اقباری توپها

کوه پیکر دشمن بطوری ملتصیب و عنزلزل گردید

که در رخ موجود نمونند از آن نتوانند بود پس از آنجا

این ناسره یکقدری انطفاء یافته در ساعت سه

و نیم از روز بعد در شعله وری و زبانه کشیدن

افسرد هشت خون آغازیدن گرفتند گلوله‌ها بعضی در
 شهر ریخت که مردم گمان کردند که طیاران المان از
 فراز شهر آنها را مقرر و ضلالتشانی خویش ساخته
 اند لکن ضخامت و بناوری گلوله‌ها ثابت کرد که آنها
 طیاران نبوده بلکه توپخانه سهمگین سنگین
 دشمن نزدیک آمده و خبر از شورش و غوغای
 کجی دارد اولین گلوله‌ها که از دهان توپهای
 قلعه کوب پا کوه‌های افسر فشان بیرون آمدند
 (واغزال دپوشق) و فابریک چینی سازی کونده
 و موقوف ساز پیر و چینی فرود آمده شهر را
 متغیر ساخت در ضمن مشایخ دستجات اطفائی
 در فرو نشاندن جریقی بعضی از مواقع شهری اثر
 نبود بد بخشانه منبع آب شهر نیز از افسرد دشمن
 محفوظ مانده هکتی خود را بیاد غناداره شهر

ریکا از وادی طفت حکایت میکند اوضاع و احوال
 شب، اغویت از غوه بر فاجعه نوین برودتی خارج
 همین قدر میتوان گفت تمام شهر بیکار شد و لوله و
 نوا و چیزیکه بکلی کاره کرده اصلاً یاد را این جنگ
 نمیگذارد همانا خواب و اما پیش بود
 یکشنبه ماه شهر پیش از پیش مورد نصیب شد
 نصب چهار جسر معلق از طرف المانها بر فراز رود
 (دبوینا) در شهر شایع آمد المانها پیش از تعبیه
 پلها چهار سرتکه غاز سیاه پراکنده بطوریکه
 چهار سرتکه کبیر آنها را نواختند و در وقت
 این غاز سیاه و پرده شیطنت بنصب پلها موانع
 آمدند و مضمحل گشته در این جا بن گفتند که اردوی ما
 دشمن را واپس نشانیده بنا گهان اشرار و بیوفان
 مثال دشمن از اول ساعت چهار شروع کرده

عده زیادی در کوچها و خانها مقبول و مجروح شدند
 توره مستقیمه کلولتهای دشمن با اندازه بود که بر برای
 مینا قنادان طبقه ذابالمه نارومار و ذیروز بر مینا
 در سباحت شش المانها کلولتهای مزوجه با اجزاء
 گلبانی را منو وجه شهر گردانیده و یکا را از هر طرف
 در دو سپاه بعضی غایب اطراف نمود هنگام شاربکا
 در دریای متلاطم آتش غوطه در بود قراولتهای
 بیافند شیرینم دست بیغا و غارت بر آورده بر اختلاف
 و فلاکت افزودند و در نامه زاو خبر میدهند
 که میتوان گفت که در چین ورود المانها از اهالی
 که هیچکس موفق نشده فقط دو قطار دست یازده
 یافته خارج گردیده اند
 و در شانسی بیستی شتر سار اقل به سار
 بیست و نه سار اقل از اقل طهرت و شد

المانها توپهای خود را در مکانهای مرتفعی که اطراف
 شهر مذکور بود قرار دادند و چنین گمان میکردند که
 از روی قصد محاله تا که کلیسیای فیس در آن واقع
 نشانگاه قرار داده اند باین کوچها قصد گلوله
 خورده هنگامیکه جنگهای جوانب میدیخت
 گلوله بسقف کلیسا خورده ستونهایش را بشکست
 دکنها و جراحهای فرانس که در میدانهای جنگ
 بایستی مشغول معالجت باشند با خوف تمام
 بر جانهایشان بگریختند و از آنجا بفرار میاورده
 سنگها و ستونهای موخند میریختند و بسندان
 از زخمیان و المانهای پیردایم گشتند (نایب)
 کپش اول رئیس ناد قیقه اخوند را النار (بنا) را
 از کلیسا گویند که پرده کشند و اخضا غرضند که
 مانده بود با ابداعش و با وجود اینکه کلیسیا میخواست

باز ہم الما نھا، عباد دمان نا قطع کر نیکی کر دینے کو کہا
 ہو کر ہم باؤ شدہ تمام با پیکار چہرہ گوشت تبدیل
 ہینمود کر سپیدت جنگی چون بوس آمد معین کر
 کہ دشمن ششصد گلولہ توپ بکلیسا آنداختہ
 ناپ (بندیکت) پانزدہم از این حریق خیل ننگد
 گشت و بویہم کو این خصوص لاکرانی کرد
 (وفات نہداشت) چہرہ ہا پیکہ در کلیسیای ہین
 سوخت بہتر از ہل است منبتہاں خیل قشون
 و پناہ ہا ی ہالی (مقتولہ صفا توحہ پور نیست کہ
 ان نقشہا و صورتہا ثابت کنند) و دیگر جتوہ
 حضرت عیسیٰ و نقاشی ہا ی معتبرہ ثبیا و خوب و ہینا
 دارا الحکومہ و موزہ ہم ہا پیکہ ہا روز دوشنبہ
 خدمت کر کی شہر دچار حریق شد بقسا پیکہ شعلہ
 حریق محلہ را کہ الما نھا، عباد دمان کردہ بود ہر

يك پارچه اقساق نمايش ميذاد اعتراف همكرد اقا
ايضا عيب بر ما

شهر لودون که یکی از مستعمرات بلژیک و کهن ترین
و معتبرترین شهرهای اروپا است و پایتخت غرب است
پس از اینکه بتصرف قوای المان درآمد و فاجعه
داخلی شهر گشت و شبانه روز اعلام نمود که شهر
خراب خواهد شد و بیکرسان و کورگان ذوالکرامت
خود را خالی گذارد و بیرون رفتند و بعضی المانها
که آن را بجزیره و جزایر و اطراف آنها از دست
نشدند که بگذرد و بنای شهر را که بجا ماند
شدن این اسکان بچند دایره بیان را در دست
لودون دادند و این شهر را با اسکان
بسیار از شهرهای اروپا بزرگتر است و از جمله
عوارض و بناهای عالیته شهر و یکی از عوارض